

### نشانه‌شناسی خسرو نامه عطار نیشابوری

دکتر لیلا عدل پرور\*

دکتر مجتبی صفرعلیزاده\*\*

رقیه پوررستم\*\*\*

#### چکیده

یکی از شیوه‌های تحلیل متون ادبی، نشانه‌شناسی است؛ رویکردی بین رشته‌ای که از زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روانشناسی و... بهره گرفته است. تحلیل نشانه‌شناسی آثار ادبی به منظور آشنایی با سبک نویسنده موجب فهم بهتر آثار ادبی می‌شود. متون ادب فارسی از جهات مختلف نشانه‌شناسی؛ زیبایی‌شناسی، روابط بینامتنی، فرم و... قابلیت بررسی دارند. بخش مهمی از داستان-های فارسی را منظومه‌های عاشقانه تشکیل می‌دهد. از جمله متون غنایی، منظومه خسرو نامه عطار است که در این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی بر اساس رویکرد نشانه‌شناسی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. دامنه نشانه‌شناسی در شعر گسترده است ولی ما در این مقاله، کوشیده‌ام به بررسی نشانه‌های غنایی، عرفانی، تعلیمی و فرهنگی-اجتماعی پردازیم.

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحدخوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران. \* (نویسنده مسئول)

adlparvar12@gmail.com

\*\* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحدخوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.

mojtabasafaralizadeh@gmail.com

\*\*\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحدخوی (نویسنده مسئول)

roghayehporrostam569@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۰۱



نتایج تحقیق بیانگر این است که منظومه خسرونامه با اینکه یک اثر عاشقانه است و پر بسامدترین نشانه‌ها مربوط به عشق و مضامین مرتبط با آن است، نشانه‌هایی از اصطلاحات عرفانی، تعالیم اخلاقی و اعتقادات و باورهای عامیانه نیز، در این اثر نمایان است.

**کلید واژه‌ها:** نشانه‌شناسی، خسرونامه عطّار، رمزگان غنایی، تعلیمی، عرفانی، اجتماعی

#### مقدمه:

نشانه‌شناسی «علم مطالعه نظام‌های نشانه‌ای (زبان، رمزگان، و...)، فرایندهای تأویلی و ابزاری پژوهشی برای فهم حقیقت پنهان در پس علائم، رموز و نشانه‌ها و نمادهای فرهنگی است.» (تاجیک، ۱۳۸۹: ۷)

نظریه نشانه‌شناسی تقریباً از قرن نوزدهم میلادی؛ توسط منتقدان کشورهای غربی و اروپایی در نقد آثار ادبی مطرح شد. در حوزه ادبیات، به طور رسمی در قالب یک نظریه ادبی اولین بار توسط فردینان دو سوسور (Saussure, f.de) زبان‌شناس سوئیس (۱۸۵۷-۱۹۱۳) معرفی شد، «نشانه-شناسی به دست فردینان دو سوسور به مثابه علمی که به بررسی زندگی نشانه‌ها در دل زندگی اجتماعی می‌پردازد طراحی شد.» (گیرو، ۱۳۸۰: ۱۳)

علم نشانه‌شناسی، روندی مهم در مردم‌شناسی و نقد ادبی به شمار می‌آید. «نشانه‌شناسی ادبیات به تفسیر آثار نمی‌پردازد، بلکه سعی در کشف قراردادهایی دارد که به تولید معنا می‌انجامند... تلاش می‌کند به ماهیت رمزگان‌هایی دست یابد که ارتباط ادبی را ممکن می‌سازد.» (کالر، ۱۳۸۸: ۸۶)

بارت همه این رمزگان‌ها را از یک نظر نوعی رمزگان فرهنگی می‌داند که اساس یک گفتمان را در مرجعیتی علمی یا اخلاقی استوار می‌کنند. (آلن، ۱۳۸۵: ۱۳۷-۱۳۶) در نشانه‌شناسی تلاش بر این است تا شاعر یا نویسنده با دلالت‌های ضمنی، مخاطب را به مقصود برساند.

مهمترین کاربرد نظریه نشانه‌شناسی در متون ادبی این است که در عملکرد اصلی خود، راهگشای شناخت معنا یا معنای اثر است. (احمدی، ۱۳۸۲: ۴۰)



«پی‌یر گپرو» در کتاب نشانه‌شناسی خود مطرح کرده که از آنجا که یکی از نخستین شرط‌های زندگی اجتماعی این است که شخص بدانند با چه کسی رابطه دارد، پس باید بتواند هویت اشخاص و گروه‌ها را باز شناسد. (گیرو، ۱۳۸۰: ۱۱۷)

بدین ترتیب حاصل تحقیقات آنها باعث شد تا نظریه «نشانه‌شناسی» امروزه در مطالعات ادبی به کار برود.

### پیشینه پژوهش

در مورد نشانه‌شناسی در متون ادب فارسی تحقیقاتی صورت گرفته است، از جمله: فرهنگ و یوسف‌پور (۱۳۸۹) «نشانه‌شناسی شعر الفبای درد» را بررسی کرده‌اند. غلامحسین زاده و همکارانش (۱۳۹۰) «بررسی عملکرد روایت در اشعار نیما با تکیه بر نشانه‌شناسی ققنوس» را کار کرده‌اند. فرزاد کریمی (۱۳۹۰) مقاله «تحلیل تأثیر وضعیت دلالتی نشانه در سیر تطور روایت در شعر نو ایران»، را نوشته است. محمدی و پارسا، (۱۳۹۴) «نشانه‌شناسی غزلی از مولانا» را بررسی کرده‌اند.

در مورد خسرونامه عطار هم تحقیقاتی به عمل آمده است که به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد: در مورد خسرونامه عطار نیشابوری نیز مقالاتی نوشته شده است؛ مهاجری زاده (۱۳۹۱) مقاله‌ای با عنوان: «حلول عطار و عطارهای حلولی و عزتی‌پرور»، (۱۳۷۴) مقاله: چند نکته درباره خسرونامه منسوب به عطار، را به چاپ رسانده‌اند. اما تاکنون تحقیقی مستقل درباره «نشانه‌شناسی در خسرونامه عطار» به عمل نیامده است، لذا در این مقاله به این موضوع پرداخته می‌شود.

### معرفی مختصر خسرونامه (منسوب به) عطار

خسرونامه یک منظومه عاشقانه است که به نام «گل و هرمز» و «خسرو و گل» نیز معروف است. (عطار، ۱۳۳۹، مقدمه: ۵) قالب این منظومه مثنوی است. در بحر هزج مسدس مقصور (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل) سروده شده است. شاعر منظومه را به خواهش دوستی سروده است، «اصل این داستان شیرین چنانچه خود شیخ در آغاز کتاب به آن اشاره کرده، افسانه‌ای باستانی است که به قلم «بد



اهوازی» که احوالش مانند بسیاری از داستان نویسان مجهول است. براساس اشارت برخی محققان در اکثر پژوهش‌هایی که در مورد آثار و احوال عطار صورت گرفته است، انتساب خسرونامه به عطار سخن‌های ضدّ و نقیضی گفته شده است، برخی محققان سعی در اثبات انتساب خسرونامه به عطار هستند و برخی با ذکر دلایلی سعی دارند ثابت کنند خسرونامه از عطار نیست، هر دو گروه نیز دلایل و منطقی خاص خود را دارند و با ذکر دلایلی از شعر و زندگی عطار و سبک شعری او گفته‌های خود را بیان کرده‌اند.

محققانی مثل سعید نفیسی، عبدالحسین زرّین کوب، محمدرضا شفیعی کدکنی در انتساب این منظومه به عطار تردید دارند نفیسی در کتاب «جستجو در احوال و آثار عطار»، خسرونامه را بنا به دلایلی از عطار تونی، شاعر قرن نهم می‌داند نه عطار نیشابوری. (عزّتی پرور، ۱۳۷۴: ۲) گفته شده این اثر، آخرین اثر عطار باشد، فرشید اقبال در مقدمه تصحیح آن گفته است: «کتابی که پیش رو دارید در بحر هزج و آخرین اثر عطار است که در گنجینه آثار شیخ عطار به دستداران ادبیات عرفانی عرضه می‌گردد» (عطار نیشابوری، ۱۳۸۲: مقدمه) در این پژوهش نشانه‌های پر کاربرد در خسرونامه، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### تحلیل نشانه شناختی منظومه

در خسرونامه با انبوهی از نشانه‌ها مواجه هستیم که تأکید ما در این پژوهش بر روی نشانه‌های غنایی، عرفانی، تعلیمی و فرهنگی - اجتماعی است که دلیل این امر بسامد بالا و چشمگیر این نشانه‌ها در این اثر می‌باشد. موضوع کلی و مضمون منظومه، داستان غنایی است، محتوای عرفان و تعلیمی مضمون دیگر است که در پیرامون این مضمون اصلی آمده است. هر کدام از این موضوعات نشانه‌های خاصی برای خود دارند که در این مقاله به این موضوع پرداخته می‌شود:



### نشانه‌های غنایی

خسرونامه منظومه‌ای عاشقانه است، لذا نشانه‌های غنایی پربسامدترین نشانه‌های این منظومه می‌باشد. اصلی‌ترین نشانه منظومه‌های غنایی عشق است، عطار گاهی به صورت مستقیم عشق را توصیف کرده است:

ببین تا کار و بار عشق چندست	که هر دم صد جهان برهم فگندست
ز عشقت این همه رونق جهان را	ز عشقت اتصالی جسم و جان را
نبودی ذره‌ی یی گر عشق را خواست	نبودی ذره‌ی یی بر ذره‌ی یی راست
چو عالم سر بسر طوفان عشقت	ز ماهی تا به ماه ایوان عشقت

(عطار، ۱۳۸۲: ۱۰۷)

- گاهی نشانه‌های رایج مربوط به منظومه‌های غنایی واژگانی چون: درد، اندوه، جدایی، فراق، هجران، زاری، بی‌قراری... مشهود است که پربسامدترین واژگان اغلب منظومه‌های غنایی می‌باشد:

بسی غم دارم و یاری ندارم	دلیم خون گشت و غمخواری ندارم
بسی درد است بر جان من از تو	که دردت باد درمان من از تو
ز بی‌رحمی تو تا چند آخر	بدین زاری مرا مپسند آخر

(عطار، ۱۳۸۲: ۱۵۲)

کجایی ای گل مهجور گشته	بدل نزدیک و از تن دور گشته
کجایی ای گل خوشبوی آخر	برون آی از کنار جوی آخر
چنان بی روی تو دل بیقرارست	که گر عمرم بود، عمریم کارست

(همان: ۱۵۱)

- بخشی از نشانه‌های غنایی در مورد توصیف زیبایی شخصیت‌های داستانی است با توصیف چهره، چشم، لب، زلف، خط آمده است:

قضا را گلرخ دلبر چو ماهی	ببام قصر بر شد چاشتگاهی...
رُخی چون گل لبی چون چشمه نور	چه گویم از لب و دندان گل دور



از آن چاهش که در زیر ذقن بود  
سر زلفش رسن افکنده بر ماه  
سر آن حلقه‌ای زلف پر چین  
بتلخی پیسته شورش دل‌آزار

چو یوسف عقل خونین پیرهن بود  
دل گل زان رسن رفته فرو چاه  
شده در گردن گل طوق مشکین  
به شیرینی چو شکر تیز بازار...

(همان: ۵۶-۵۷)

-بخش دیگر وصف مجالس عیش و عشرت پادشاهان است که نشانه‌های بارز زبانی؛ وصف شادی آلات موسیقی، باده‌خواری و عشرت و خوشی است:

که تا ز آواز چنگ و ناله نای  
چرا باید ز هر اندیشه فرسود  
کنون باری چرا غمناک گردیم  
زمانی کام دل باهم برانیم

بجای آید دل این رفته از جای  
که گر شادست ور غم بگذرد زود  
که می‌دانیم روزی خاک گردیم  
کزین پس می‌دانم تا توانیم

(همان: ۶۹)

در بخشی از خسرونامه، شاعر نواختن مطربان را در سازهای مختلف چنگ، دف، نی و بریط آورده است، این بخش تماماً رمزگان شادی دارد که حدود ۲۰ صفحه کتاب است که رمزگان آن وصف باده‌نوشی، رقاصی، شمع و نواختن ساز و ... است:

زالحان سرود عاشقانه  
ز عکس باده، در جام گهر دار  
می سرکش نشسته در دم چشم  
لب شیرین ترکان تروش روی  
فروغ روی چندان حور زاده  
ز لعل شاهدان آب دندان  
شعاع شمع روشن کرده مجلس

شده رقص، نقش آستانه  
شده سرمست صورت‌های دیوار  
ز مستی پای کوبان مردم چشم  
بنطق تلخ شورانگیز هر سوی  
جهانی را بهشتی نور داده  
شده می همچو گل در جام خندان  
سماع جمع جان را گشته مونس

(عطّار، ۱۳۸۲: ۲۴۰)



### - دم غنیمت شمردن

بجر امروز نقد ما حاضر نیست      که دی بگذشت و از فردا خبر نیست  
(همان: ۱۲۵)

برو دریاب امروزی که داری      خوشی می ساز با سوزی که داری  
غنیمت گیر این یکدم که هستت      به غارت کرده این صد غم که هستت  
(همان: ۲۲۰)

### نشانه‌های عرفانی

یکی از توجّهاتی که به منظومه شده است، تحلیل عرفانی آن است، با توجّه به شخصیت عرفانی عطار، برخی پژوهشگران سعی کرده‌اند با تفسیر عرفانی منظومه، آن را یک منظومه عرفانی معرفی کنند که در کنار دیگر آثار عطار تناقض نداشته و قابل پذیرش باشد. با تحلیل نشانه‌شناسی با وجود رمزگان عرفانی، می‌توان گفت، نشانه‌های عرفانی بودن منظومه در سخنان شاعر دیده می‌شود. در چندین جای متفاوت اعلام کرده که با یک قصّه رمزی روبه رو هستیم، مصحح نیز در مقدمه گفته است: «این منظومه مانند تمام مثنویات عطار مشحون از معانی خوش عرفان و تصوف و مبانی دلکش سیر و سلوک است یعنی از نظم داستان عشقی و افسانه‌ای خسرونامه نتایجی بزرگ و عالی گرفته و خواننده را با بی‌اعتباری دنیا آشنا ساخته و او را به دوری از حرص و هوای نفس و بدی‌ها تحریض و تشویق می‌کند و در سراسر حوادث و سوانح این افسانه درس بردباری و شکیبایی در غم و مصیبت می‌دهد و در آن فواید راستی، توکل، ترک علایق و کناره‌جویی از جاه و منال دنیوی که موجب حرمان از درک مقامات اخرویست مندرجست.» (عطارنیشابوری، ۱۳۳۹: مقدمه: چهار)

«عطار در عمق این اثر و حکایت‌های مشابه آن می‌خواهد اسارت حقیقت جان را در تن به تصویر بکشد. جان که متعلق به عالم علیاست در سیر تعلقش به جسم (عالم سفلی) در متون عرفانی سیری را می‌پیماید و پس از تهذیب نفس یا جسم به اصل خویش باز می‌گردد.» (مالمیر، ۱۳۹۰: ۴-۳)



رمزگان عرفانی؛ با اصطلاحات عرفانی مربوط به عرفان و تصوف چون؛ خرقه پوشی و خرقه پوشان، کرامات، محو، فنا و بقا، وحدت، قناعت، تسلیم و... در این منظومه به چشم می خورد.

بنفشه بر مثال خرقه پوشان  
بنفشه خرقه می پوشد به طامات  
که نیلوفر چو نیلی پوش اصحاب  
سراورده به زانو چون خموشان  
ولی نیلوفر است اهل کرامات  
سجاده باز افکنده است برآب  
(عطار، ۱۳۸۲:۲۱۶)

روا باشد انالله از درختی  
کسی کو محو آن خورشید گردد  
چرا نبود روا از نیکبختی  
فنایی در بقا جاوید گردد  
(همان: ۱۴)

در آن وحدت دو عالم را شکی نیست  
خداست و خلق جز نور خدا نیست  
که موجود حقیقی جز یکی نیست  
ولی زو نور او هرگز جدا نیست  
(همان: ۱۳)

برو راه قناعت گیر و تسلیم  
که همراهی نیاید از زر و سیم  
سپر چون نیست یک تیر قضار را  
(همان: ۳۲۲)

قضا تدبیر ما بر هم شکسته است  
اگر صد موی بشکافم ز تدبیر  
رضاده حکم و تقدیر خدا را  
(همان: ۴۶)

گشاد کارها بر وقت بسته است  
برون نتوان شدن مویی ز تقدیر  
(عطار، ۱۳۸۲: ۱۲۲)

### - مرگ اختیاری

عطار به «مرگ ارادی» اشاره کرده است، این نوع مرگ به تسلط بر نفس و گذشتن از سدی به نام «خود» منطبق است. صوفیه این تعبیر را از آیه کریمه: *فَتَوَبُّوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ* (سوره بقره: آیه ۵۴) یا حدیث معروف «موتوا قبل ان تموتوا». (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۷۲: ۵۹)





اگر پیش از اجل یک دم بمیری در آن یک دم همه عالم بگیری  
(عطار، ۱۳۸۲: ۳۴۶)

### نشانه‌های تعلیمی

از ادبیات تعلیمی تعریف‌های متفاوتی ارائه شده است. برخی آن را «ادبیاتی می‌دانند که نیکبختی انسان را در بهبود منش اخلاقی او می‌داند و هم خود را متوجه پرورش قوای روحی و تعلیم اخلاق انسانی می‌کند.» (مشرّف، ۱۳۸۹: ۹)

شمیسا اثر تعلیمی را اثری می‌داند که دانشی (عملی یا نظری) را برای خواننده تشریح کند یا با مسائل اخلاقی، مذهبی، و فلسفی را به شکل ادبی عرضه دارد. (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۶۹)

فضایل اخلاقی بحثی از ادبیات تعلیمی محسوب می‌شود که هدف آن آموزش اخلاق و کمک به انسان برای دستیابی به سعادت اخروی و دنیوی است.

فضایل اخلاقی، صفاتی است که به انسان شخصیت می‌بخشد و او را به مراتب رفیع کمال می‌رساند. (رزمجو، ۱۳۶۶: ۴۰)

«اخلاق، مجموع اصولی است ناظر بر حسن جریان زندگی و تعالی انسان که در زمان معینی از معتقدات وجدانی فرد یا قومی سرچشمه می‌گیرد.» (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۰: ۲۲۳)

اولین موضوعی که از نظر اخلاقی در خسرونامه حائز اهمیت است؛ اندیشه توحیدی و یکتاپرستی است که شاعر اعلام می‌کند؛ که توحید و نعت و ستایش را اول خسرونامه آورده است:

دگر توحید و نعت و پند و امثال خدا را نعت و توحیدی بگفتم  
که خسرونامه را بود اول حال... ز هر در دُرّ حکمت نیز سفتم

(عطار، ۱۳۸۲: ۳۶)

از مهم‌ترین توصیه‌های تعلیمی این اثر، دل‌کندن از جهان مادی است: شاعر جهان را یکبار «بیغوله» بار دیگر «چاه» خطاب می‌کند که تا زمانی که انسان در آن اسیر نفس است، نمی‌تواند بیرون بیاید:

زین بیغوله قصد آشیان کن تو در دنیا که جای رنج و بارست  
چه می‌باشی ز همت نردبان کن... اگر صد کار داری هیچ کارست



ترا چاهی قوی افتاده در راه      که آن دنیاست و گنبد دارد ان چاه  
(همان: ۳۸۵-۳۸۶)

عطار معتقد است؛ با دل کندن از دنیا، «جان جهان» خواهی شد:

درین عالم همه غرق جهانی      در آن عالم همه مشغول جانی  
جهان را ترک گیر و خصم جان شو      ز هر دو بگذر و جان جهان شو  
(همان: ۴۹ - ۵۰)

چه بندی دل درین زندان فانی      که دل در ره نبندد کاروانی  
چو شمع زندگانی زود میر است      ترا به زین جهانی ناگزیر است  
(همان: ۲۰۱)

جهان غمخانه ورز و وبال ست      که خمرش حب جاه و حب مال ست  
کسی کو در غم جاه افتاده است      ز اوج چرخ در چاه افتاده است  
(همان: ۳۲۳)

شاعر، به پابندی به ارزش های اخلاقی تأکید دارد و فضایل اخلاقی چون؛ تواضع، ترک نام و  
ننگ، خرد ورزی، شکر نعمت، عدل و دادگستری ... را توصیه کرده و رذایل اخلاقی چون؛  
رعنائی، سالوس، تکبر را نکوهش کرده است:

تواضع می نهد تاجی بتارک      اگر خواهی علو و اخفض جناحک  
(عطار، ۱۳۸۲: ۲۲)

دو نعمت را مکن در شکر سستی      یکی امن و دگر یک تندرستی  
(همان: ۴۹)

به رعنائی و سالوس و تکبر      نگردد کیسه مقصود تو پر...  
مکن کبر و به عدل و داد می باش      قدم بر عدل نه آزاد می باش  
چه افزایی تو چندین بار خود را      ز خود بگذر فنا انگار خود را  
به ترک نام و ننگ و نیک و بد گیر      مده سر پی زدست و راه خود گیر...  
(همان، ۳۲۳)



خرد را رهنمون باید گرفتند / چنین کاری کنون باید گرفتند  
(همان: ۴۳)

### نشانه‌های فرهنگی، اجتماعی

فرهنگ، از مقوله اطلاعات اکتسابی است و انتقال آن از شخصی به شخص دیگر و از نسلی به نسل دیگر به وسیله نمادها و نشانه‌ها صورت می‌بندد. (نولان و لنسکی، ۱۳۸۳: ۳)

پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی در حکم نشانه‌اند، از این رو که موضوع‌ها و موارد معنادار هستند و صرفاً در زمینه مناسباتی که با یکدیگر می‌یابند، قابل شناخت می‌شوند. (احمدی، ۱۳۸۰: ۲۱۸)

ادیات عامه به عنوان یکی از مقولات ثبت و انتقال فرهنگ عامه است. یکی از نشانه‌های و شاخصه‌های فرهنگی اجتماعی؛ رفتارهای اجتماعی، باورها و عقاید، آداب و سنن، است. خسرو نامه مربوط به قرن هفتم است، در این دوران در شعر فارسی، سبک عراقی رایج بود، سبک عراقی دومین سبک برجسته ادب فارسی بعد از سبک خراسانی است. مهم‌ترین نشانه‌های فرهنگی اجتماعی این اثر مربوط به اعتقادات و باورهای عامیانه و اساطیری کهن است که در ذیل به برخی از این نشانه‌های اشاره می‌شود:

### - اعتقاد به سحر و جادو

«در میان اقوام گذشته جادوگری و اعتقاد به سحر و جادو وجود داشت و امروزه هم عدّه زیادی از مردم به سحر و جادو معتقدند.» (تاج بخش، ۱۳۸۱: ۱۸) در ابیات ذیل اعتقاد به سحر و جادو و افسون در خسرونامه به چشم می‌خورد:

ز سنگی موم و مومی سنگ کردی	اگر در جادویی آهنگ کردی
که شیخ نجد با او هیچ کس بود	چنان در ساحری گیرا نفس بود
(عطار، ۱۳۸۲: ۶۵)	
به ابرو طاق بوده نیکوان را	به نرگس خواب بسته جادوان را
(همان: ۷۷)	
به دم بر وی به دامش کن به تلبیس	از آن بادی که تو دانی و ابلیس



دمش می ده دلش افگار می کن	فسون می خوان سخن بر کار می کن (همان: ۸۵)
نشاندش پیش و افسون کرد آغاز	به حیلت جادویی را داد سرباز (همان: ۸۷)
جهانی جادو از بابل رسیده	ز چشمت یک به یک را دل رمیده (همان: ۱۷۹)

### اعتقاد به موجودات اساطیری چون

موجودات فرا طبیعی و اساطیری مثل؛ پری، حور، هاتف (سروش)، دیو، غول و عنقا، در خسرو نامه دیده می شود و باورهای عامیانه در مورد این موجودان که در بین مردم عادی رواج داشته است.

نبودی آدمی در روم و بغداد	به زیبایی آن حور پری زاد (همان: ۴۱)
چه حال ست این ترا آخر چه بوده است	پری داری مگر دیوت ربوده است (همان: ۷۴)
دلش در بیخودی شد واقف عشق	صلا در داد جان را هاتف عشق (همان: ۶۰)
اگر گردم به لعب و لهو مشغول	سراسیمه شود از مکر من غول (همان: ۹۱)
چو وقت صبح این عنقای پرزن	فرو ریخت از کبوتر خانه ارزن (همان، ۳۰۹)

از بین موجودات اساطیری پری و باورهای مربوط به آن مثل: «پری در شیشه کردن» بیشتر مشهود است:

پری در شیشه آید وین پری زاد	دلم در شیشه کرد و شیشه افتاد (عطار، ۱۳۸۲: ۷۸)
-----------------------------	--



توان دیدن پری در شیشه بسیار تو را در شیشه می جوید پری وار  
(همان: ۲۹۶)

چو کرد آب قدح را آن پری نوش شد او همچون پری در آب خاموش  
(همان: ۱۱۷)

پری در شیشه کردن اشاره دارد به عملیات رمالان و دعانویسان که بدان وسیله مصروعان را معالجه می‌کردند. (شمیسا، ۱۳۷۱: ۲۸۸)

### باور به چشم زخم و اسپند دود کردن

طبق باورهای کهن، اسپند دود کردن، را برای دفع چشم زخم مفید می‌دانند. «این باور در ایران باستان نیز وجود داشته است هم چنان که در اوستا «اغشی» نامی برای دیو چشم زخم است.»  
(هدایت، ۱۳۵۶: ۱۳)

چنان از اخترم فالی بلند است که چشم بد بر آتش چون سپند است  
(عطار، ۱۳۸۲: ۴۰)

دلی کو خویش را نبود نکو خواه بزودی چشم بد یابد بدو راه  
(همان: ۴۴)

### باور به بخت و اقبال

اعتقاد به بخت و اقبال در میان اقوام و ملل مختلف سابقه‌ای دیرینه دارد و ریشه آن ناآگاهی از علل واقعی حوادث بوده است. «گذشتگان چون در برابر سوالات خود و اتفاقاتی که پیش می‌آمد، جواب قانع کننده‌ای نمی‌یافتند، سعی می‌کردند با ربط دادن برخی از آن‌ها به آمان و احکام نجوم، برایشان توجیهی یابند.» (صرفی و افاضل، ۱۳۸۹: ۵۴)

چنان از اخترم فالی بلند است که چشم بد بر آتش چون سپند است...  
چنان بختم ز بیداری پر آب ست که فتنه زیر بخت من خواب ست  
(عطار، ۱۳۸۲: ۴۰)



دلی کو خویش را نبود نکو خواه      بزودی چشم بد یابد بدو راه  
(همان: ۴۴)

### نتیجه گیری

خوانش نشانه شناسانه خسرو نامه منسوب به عطار نیشابوری، بیانگر این است که:

- خسرونامه یک منظومه غنایی و عاشقانه است، بنابراین سرشار از نشانه‌های رایج متون غنایی چون؛ غم و اندوه، درد، هجران، فراق، بی‌قراری، سوز دل و... می‌باشد.
- نشانه‌های از اصطلاحات رایج عرفان و تصوف چون؛ وحدت، فنا، بقا، خرقه پوشی و... در این اثر به چشم می‌خورد.
- با اینکه این اثر یک منظومه غنایی است شاعر اولین نکته حائز اهمیت از نظر ارزش‌های اخلاقی را توحید و نعت خداوند می‌داند، هم چنین وی به آراستگی به فضایل اخلاقی مثل؛ تواضع، شکرگزاری، ... تأکید دارد و از رذایل اخلاقی چون؛ سالوس، تکبر، شنوندگان را بر حذر می‌دارد.
- از نشانه‌های مهم فرهنگی اجتماعی خسرو نامه اعتقاد به برخی باورهای عامیانه و اساطیری کهن مثل: اعتقاد به سحر و جادو، موجودات اساطیری، اعتقاد به تقدیر و سرنوشت و بخت و اقبال و تأثیر اسپند دود، برای رفع چشم زخم، را می‌توان نام برد.

### منابع و مآخذ

- آلن، گراهام، (۱۳۸۵)، رولان بارت، ترجمه پیام یزدانجو، تهران: مرکز، چاپ اول.
- احمدی، بابک، (۱۳۸۲)، ساختار و تأویل متن، تهران: مرکز، چاپ ششم.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی، (۱۳۷۰)، آواها و ایماها، تهران: یزدان.
- تاج بخش، اسدالله، (۱۳۸۱)، تاریخ تمدن و فرهنگ ایران از اسلام تا صفویه، شیراز: انتشارات نوید.



- تاجیک، محمدرضا، (۱۳۸۹)، «نشانه‌شناسی؛ نظریه و روش» پژوهشنامه علوم سیاسی، ش ۴: ۷-۳۹.
- رزمجو، حسین، (۱۳۶۶)، شعر کهن فارسی در ترازوی نقد اخلاق اسلامی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۱)، انواع ادبی، تهران، فردوس.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۷)، فرهنگ اشارات ادبیات فارسی، تهران، انتشارات فردوس، چاپ اول.
- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمدبن ابراهیم، (۱۳۳۹)، خسرو نامه، تصحیح احمد خوانساری سهیلی، تهران، زوار، چاپ اول.
- .....، (۱۳۸۲)، خسرونامه، با مقدمه فرشید اقبال، تهران: سخن، چاپ سوم.
- عزتی‌پرور، احمد، (۱۳۷۴)، چند نکته درباره خسرونامه منسوب به عطار، مجله فرهنگ، ش ۲۹: ۱۱۴-۱۱۷.
- صرفی، محمد رضا و افاضل، راضیه، (۱۳۸۹)، «بازتاب باورهای نجومی در خمسه خواجه کرمانی، کهن نامه ادب فارسی، سال اول، شماره دوم، صص ۵۳-۷۶.
- کالر، جانانا، (۱۳۸۸)، در جستجوی نشانه‌ها (نشانه‌شناسی، ادبیات، و اسازی) ترجمه لیلا صادقی و تینا امراللهی، تهران: علم، چاپ اول.
- گیرو، پیر، (۱۳۸۳)، نشانه‌شناسی، ترجمه محمد نبوی، تهران: آگاه، چاپ سوم.
- مال میر، تیمور، (۱۳۹۰)، بررسی سبکی خسرونامه برای تعیین صحت انتساب آن به عطار نیشابور. فصل نامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). سال چهارم. شماره ۳.
- مجلسی، علامه محمد بن محمد تقی (۱۳۶۳) بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار، ترجمه موسوی همدانی، تهران: کتابفروشی ولیعصر.
- مشرف، مریم، (۱۳۸۹)، جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران، تهران: سخن
- نولان، پاتریک ولنسکی، (۱۳۸۳)، گرهارد، جامعه‌های انسانی: مقدمه ای بر جامعه‌شناسی کلان، ترجمه ناصر موقیان، چ دوم، تهران: نشر نی
- هدایت، صادق، (۱۳۵۶)، نیرنگستان، چ دوم، تهران: جاویدان